



دوره هفتم تقویمیه

جلسه ۱۳۶

صورت مشروح

مذاکرات مجلس

(بدون مذاکرات قبل از دستور)

سه شنبه ۷ مردادماه ۱۳۰۹ - ۳ ربیع الاول ۱۳۴۹

قیمت اشتراك سالانه
داخله ۱۰ تومان
خارجه ۲۱ تومان
تک شماره: یکقران

مطبعه مجلس

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز سه شنبه هفتم ارداد ماه ۱۳۰۹ هـ (سوم ربیع الاول ۱۳۴۹)

فهرست مذاکرات

- ۱) تصویب صورت مجلس
- ۲) تصویب سه فقره مرخصی
- ۳) تقدیم يك فقره لایحه از طرف وزارت اقتصاد ملی
- ۴) شور اول خبر کمیسیون داخله راجع بحقوق تقاعد افراد نظیه
- ۵) شور اول خبر کمیسیون اقتصاد ملی راجع بلائحه بانک فلاحی
- ۶) موقم و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

مجلس يك ساعت و نیم قبل از ظهر بریاست آقای دادگر تشکیل گردید

[۱ - تصویب صورت مجلس]

صورت مجلس سه شنبه ۳۱ تیر ماه را آقای مؤید احمدی (منشی) قرائت نمودند

رئیس .. آقای فیروز آبادی
 قبل از دستور را برای جلسه دیگر بگذاریم چون کار زیاد داریم

رئیس .. در صورت مجلس نظری نیست
 (نمایندگان .. خیر)

رئیس .. بسیار خوب
 [۲ .. تصویب سه فقره مرخصی]

رئیس .. تصویب شد. بنده از آقا تمنا میکنم (خطاب
 آقای فیروز آبادی) اگر کار ضروری ندارند مذاکره
 رسیده است قرائت میشود :

عین مذاکرات مشروح یکصدوسی و ششمین جلسه از دوره هفتم تقنینیه . (مطابق قانون ۸ آذرماه ۱۳۰۵)

دايره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده : غائبین با اجازه - آقایان : حسینی میرزا دولتشاهی -
 میر ابراهیمی - امیر عسری - فرخی - محمد ولی میرزا - اعظم زنگنه - حاج میرزا حبیب الله امین - فرشی - لرستانی - اسکندری -
 بزرگ - میرزا بانس - مقدم - امیر حسین خن - تیمور تاش
 غائبین بی اجازه - آقایان : میرزا حسن خان وثوق - پوشهری - مهود - حاج رحیم آقا - میرزا ابوالفضل - آقا رضا مهدوی -
 حاج حسین آقا مهدوی - شیخ علی مدرس - حاج حسن آقا ملک
 دیر آمدگان با اجازه - آقایان : شریعت زاده - ارکانی
 دیر آمده بی اجازه - آقای همراز

خبر مرخصی آقای بزرگ نیا

۱- آقای بزرگ نیا نماینده محترم برای مسافرت تقاضای چهل روز مرخصی از تاریخ حرکت نموده مبلغ پنجاه تومان از مقرری مرخصی مزبور را به تعمیر مقبره خدام اختصاص داده اند کمیسیون موافق و خبر آن تقدیم میشود.

بجای مخبر منشی کمیسیون علی شهادت

رئیس - آقای زوار

زوار - موافق

رئیس - آقای ملک مدنی

ملک مدنی - موافق

رئیس - آقای فیروز آبادی

امیر تیمور کلانی - مخالف نیست

رئیس - چرا. آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده مخالفم. بنده بهمان نظری که عرض کردم و داشتم و مکرر عرض کرده ام و باز هم مکرر خواهم کرد عقیده ندارم آقایان تمام حقوق مرخصیشان را یا لا اقل زیاد از نصفش را بگیرند حالا که بنا شده آقایان توجه بیک امر بخیر بکنند خوب است نظر بیندازند بیک امری که خیر الخیر باشد یعنی کاری بکنند که زنده ها نمیرند کسانی که مرده اند هیچ نتیجه ساختن قبر آنها ندارد نه بجهت آنها دارنده بجهت ما این امورات را امروز در نظر نگیرید عرض کردم

اگر بک قبروری بود که ما از آنها استفاده روحی معنوی دنیای استفاده اخروی میکردیم بهترین چیزها بود اما چیزی که بر خلاف این باشد و از اینقرار نباشد و با احتیاجاتی که امروزه ما داریم بجهت حفظ حیات مردم حفظ زندگی مردم اینها را در نظر بگیریم گمانم بهتر از این است. بنده دو دفعه ظاهراً عرض کردم که مرخصخانه در حضرت عبد العظیم تأسیس شده بجهت اینکه زنده ها نمیرند و از آقایان استدعا کردم در این باب همراهی بکنند از حقوق مرخصیشان بیک چیزی بجهت اینکار تخصیص بدهند ایشان این لطف را به بنده

به ملت کرده اند. در صدد بر آمده اند که قبر بیک مرده را بسازند فکر کنید که نتیجه دارد یا خیر حالا شاید کسی پا شود بگوید این در شعر چه گفته یا چه کرده میگویم تمام اینها درست اما بجهت زندها چه فایده دارد این نظریه را ترك كنید نظر تان برود روی احیاء زندهها که زندهها باقی بمانند نه اینکه بخمال قبر بجهت بیک مرده شاعری بیفتمی حالا پا شوید و هر کس که اسم شاعر برده تنقید کنید بگوئید که او از ملک بالاتر بود خدمت میکرده است و چه کرده است اینها همه صحیح اما امروز این کارها فایده بجهت ملک ندارد.

رئیس - آقای زوار

زوار - آقا اطلاع ندارند آقای بزرگ نیا یکی از تجار

محترم درجه اول خراسان بلکه ایران است که همیشه

دست شفقت و رحمت بطرف روح شعرا دراز کرده است به

مریضخانه های متعدد هم ایشان اعانه داده اند بالاخره

این مسافرت ایشان هم شاید بجهت این باشد که از فقرا

و ضعفا دستگیری کنند. کمیسیون با تشخیص اینکه همیشه

ایشان را طرفدار فقرا و ضعفا میدانسته است بالخاص

بمقبره یکی از شعرای مهم ایران هم خدمت کرده اند از

این نقطه نظر عنبر ایشان را موجه دانسته و رأی داده

آقا هم خوب است موافقت بفرمائید که خبر کمیسیون

تصویب شود.

رئیس - موافقین با مرخصی آقای بزرگ نیا قیام

فرمایند (اغلب قیام نمودند) تصویب شد خبر دیگر:

مرخصی آقای رهبری

۲ - آقای حاج آقا حسین زنجانی بواسطه کسالت

مسافرت تقاضای پنجاه روز مرخصی از تاریخ دهم مرداد

نموده اند کمیسیون موافق و خبر آن تقدیم میشود

رئیس - موافقین با مرخصی آقای زنجانی قیام فرمایند

(اکثر قیام نمودند) تصویب شد خبر دیگر:

خبر مرخصی آقای ظفری

۳ - آقای ظفری نماینده محترم برای رسیدگی با امور عمل تقاضای بیک ماه مرخصی از تاریخ حرکت نموده اند و پنجاه تومان از مقرری ایام مرخصی را هم برای تعمیر مقبره خدام تخصیص داده اند کمیسیون با تقاضای ایشان موافقت کرده و خبر آنرا تقدیم میدارد.

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده همان عرایضی را که کردم باز

هم میکنم در باره آقای حاج آقا حسین هم مخالف بودم

رویت به من نرسید یا فرصت نشد یا توجهی نشد. بنده با

کلیه اینها مخالفم و در مخالفت هم با فشاری میکنم و

عرض خودم را هم میکنم میدانم در این دوره مورد توجه

نمیشود امیدوارم وکلای دوره دیگر متوجه باین امورات

شوند.

رئیس - آقای ملک مدنی

ملک مدنی - آقای فیروز آبادی عقیده دارند و همیشه

در این ادوار مجلس با مرخصیها مخالفت کرده اند بنده

هم تقدیس میکنم که ایشان بیک عقیده ثابتی را گرفته اند

و دارند پیش میروند و ضمناً بیک معتقداتی را پیش گرفته اند

که مریضخانه حضرت عبدالعظیم را تأسیس کرده اند این

هم بیک نیت مقدسی است ولی مانع از این نیست که بیک

شخصی بخوانند قبر یکنفر از شعرای بزرگ و مهم این

ملکت را تعمیر کنند و بنده نظر بعضوی که در کمیسیون

عرایض دارم به آقایان تذکر میدهم که تقاضای مرخصیهای

که به کمیسیون میآید ما بمیل و رضای خود آقایان

را گذار می کنیم و حتی منظور حضرت تعالی را هم بنده به

فان تذکر میدهم منتهی موقع و مورد آن نرسیده است

برای اینکه مخارج و مصارفی که برای ساختمان آنجا لازم

است هنوز تهیه و تدارک نشده است البته اگر چنانچه

آنان موافقت کنند آنها هم مورد دارد ولی بعقیده بنده

بجز نظر حضرت عالی نباید مغایر با تعمیر مقبره خدام باشد البته

باین منظور که حضرت تعالی همراهی کردید با تأسیس مریضخانه

باید بعضی آقایان هم درآیه موافقت کنند. آقای ظفری هم

کنون هیچ مرخصی نگرفته اند و در این دو ساله که

بوده اند اولین دفعه ایست که مرخصی میگیرند و تقاضای مرخصی میکنند

رئیس - موافقین با مرخصی آقای ظفری قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند) تصویب شد

۴ - تقدیم یک فقره لایحه از طرف وزارت اقتصاد ملی

رئیس - آقای وزیر امور خارجه فرمایشی داشتید؟

وزیر امور خارجه و کفیل وزارت اقتصاد ملی -

لایحه قانونی است مبنی بر اعطاء امتیاز استخراج معادن

ذغال سنگ خراسان تقدیم مجلس شورای ملی مینمایم

(صحیح است)

۴ - شور اول خبر کمیسیون داخله راجع بحقوق تقاعد افراد نظمی

رئیس - خبر کمیسیون داخله. آقای وزیر داخله

فرمایشی داشتید؟

وزیر داخله - همین را میخواستم عرض کنم

رئیس - خبر کمیسیون داخله راجع بحقوق تقاعد

افراد نظمی. شور اول. ماده واحده:

ماده واحده - از تاریخ اجرای قانون استخدام

کلیه مستخدمین نظمی اعم از صاحب منصب و مأمورین با

رتبه افراد و ردیف افراد (خواه مشمول قانون استخدام

کشوری باشند خواه نباشند) که در نتیجه ایفای وظیفه

تلف شده اند یا خواهند شد دولت بلا کسر آخرین مقرری

خدمت آنها بدون رعایت سن و مدت خدمت درباره ورثه

قانونی آنها که در ماده ۳ قانون وظایف مورخ ۱۹ ربیع الاول

۱۳۲۶ تصریح شده وبعلاوه درباره برادر و خواهری که

در کفالت آنها بوده اند بعنوان وظیفه بطور تساوی برقرار

و از زمان فوت آنها پرداخته خواهد شد

رئیس - شور اول آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - اینجا بیک موضوعی است که هم

آقای وزیر اقتصاد تشریف دارند و هم آقای وزیر داخله

اساساً بنده که در مجلس بودم از دوره چهارم همیشه نظرم

این بوده است که پولی را که مات میدهد از برای تشکیلات

غیر از تشکیلات اولیه مملکت که عبارت از تأمینات و معارف و صحیه و اینها باشد امر زائد است و یکی از تشکیلات مهم نظمی است یعنی ویدن الله نظمی یکی از تشکیلاتی است که عقلا و دانایان بهترین تشکیلات از برای حفظ جامعه نظمی را میدانند و نظمی ما هم روز بروز در ترقی است و خدمات افراد نظمی هم بر همه مکشوف و مبرهن است و این محلی نیست که بنده مخالف باشم بنده مخالفتم از راه تعقیب و سؤال راجع بمسئله بودجه و راجع بمسئله خرج است بنده میدانم و عقیده ام این است اول خرجی را که مملکت باید بکشد همانست که در اخبار ما هست (الصحة والامان) مخارج کردن برای امنیت جهانی و امنیت مالی و امنیت طریقی است که نظمی معین شده است از برای تأمینات شهری و نظمی ما این کار هارا میکند اما این قانون لابد در اینجا يك حقوقی را ملاحظه کرده است نوشته شده است در خبر کمیسیون (در خبر دولت اینچور نبود لایحه دولت اینچور نبود) از اجرای قانون استخدام قانون استخدام از سنه ۱۳۰۲ اجرا شده است این را آمده اند کمیسیون داخله در صورتیکه بنده عرض کردم اساساً موافق هستم همه جور مجلس در باره نظمی محبت داشته باشد اما نه باندازه که ما کاسه از آتش گرمتر باشیم بعلمت اینکه خود دولت نیامده است از اول اجرای قانون استخدام در نظر بگیرد آمده است در کمیسیون داخله از اول اجرای قانون استخدام قرار داده است. خوب پس حالا که اینچور شده است از آنوقتی که تشکیل نظمی شده است و آمده است در طهران و مرحوم پیرم رئیس نظمی شد از آنوقت قرار بدهند از آنوقتی که نظمی تشکیل شد بلکه از زمان کنت و منت کی بود فرانسوی این اولاً و ثانیاً این نظمی از سنه ۱۳۰۲ که رو بترقی رفت و در دست صاحبم نصیبان ایرانی آمد و حسن ظن ما را نسبت بنظمی زیاد کرد و حقیقه محلی توجه ما واقع شد که خارجها دست برداشتند و خود ایرانیها کاملاً از عهده تأمینات و انتظامات نظمی برآمدند

استخدام این رعایت در حق ورثه مقتولین بشود ثانیاً تصور نفرمائید که این چیز زیاد مهمی است فقط موردش در سه تا بیشتر نیست برای اینکه يك وسیله داشته باشند برای تأسیس آسایش این چند نفر و توانسته است این کار را بکند بالاخره ما چاره در این دیدیم که بمجلس پیشنهاد کنیم و اجازه بگیریم و محل این هم تأمین شده است و اشکالات قانونی نخواهد داشت.

جمعی از نمایندگان - کافي است

رئیس - پیشنهاد آقای کیا قرائت میشود:

پیش نهاد آقای کیا

مقام مقدس ریاست مجلس دامت شوکتہ العالی

توضیح ذیل را پیشنهاد مینمایم

در نتیجه ایفاء وظیفه اعم از اینکه مریض شده یا مقتول گردد

رئیس - رأی میگیریم بورد در شور دوم موافقتین با ورود در شور دوم قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد.

[۵ - شور اول خبر کمیسیون اقتصاد ملی راجع بلایحه بانک فلاحی]

رئیس - خبر کمیسیون اقتصاد ملی راجع بیانک فلاحی قرائت میشود:

خبر کمیسیون

کمیسیون اقتصاد ملی با حضور آقای وزیر اقتصاد ملی و مشارکت کمیسیون محترم بودجه لایحه نمره ۴۳۸۲ دولت راجع بتاسیس بانک فلاحی را مطرح و مورد مذاقه قرار داده و اینک مواد پیشنهادی را با اصلاحاتی که نموده است برای تصویب مجلس مقدس شورای ملی تقدیم میدارد:

ماده ۱ - وزارت مالیه از سال جاری تا دو سال مرسال مبلغی که کمتر از پانصد هزار تومان نخواهد بود برای تشکیل سرمایه فلاحی بانک ملی تادیه خواهد کرد

ماده ۲ - با سرمایه مذکور شعبه مخصوصی در بانک ملی برای قرض دادن بارباب فلاحی باسم شعبه فلاحی تاسیس خواهد شد

محاسبات شعبه مذکور جداگانه و مستقل از سایر محاسبات بانک ملی خواهد بود

ماده ۳ - هرگاه دامنه معاملات شعبه مذکور در فوق باندازه توسعه باید که تبدیل آن بیک بانک مستقل مقتضی شود اداره بانک ملی با موافقت هیئت نظارت بانک و تصویب هیئت دولت باین امر اقدام خواهد کرد

ماده ۴ - شعبه فلاحی هیچ قرضی نخواهد داد مگر برای انجام یکی از مقاصد ذیل:

۱ برای دائر ساختن مجاری آبی که بر اثر حوادث خشک شده یا برای بدست آوردن آب تازه (تنقیه قنوات موجوده بدست آوردن آب تازه محسوب نمیشود)

۲ برای ایجاد یا توسعه زراعت و تحصیل محصولات

چای - پنبه - نیل - روناس - ابریشم - کتف - نیشکر - توتون - تنباکو - پسته - بادام و هر نوع محصولی که وزارت اقتصاد ملی ایجاد و توسعه آنرا در منطقه که ملک استقرار کنند در آنجا واقع است لازم بداند.

رئیس - چند نفر از آقایان بنده را متذکر میکنند که چون خبر طبع شده است ضرورت ندارد خوانندش طولانی هم است (صحیح است) مذاکره در کلیات است - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده خیلی تشکر از دولت میکنم که در صدد بر آمدن بانکی تأسیس کند که اسباب ترقی و توسعه فلاحی بشود این بسیار خیال خیلی خوبی است امید واریم همچنانکه در نظر شان هست کاملاً موفق شوند چیزی را که بنده در نظر دارم یکی این است که ممکن است همین بانک را بهمین ترتیب که در نظر دارند و میخواهند توسعه بدهند و بانک فلاحی بهمین نتیجه و با همین خواص باشد اما اسم نفع و فرع و اینها را بر

دارند و بعنوان بیع شرط باشد چون ملک بر میدارد دولت در مقابل پولی که قرض می دهند هر ملک را که بر می دارد بعنوان بیع شرط بر دارد و محظورات خود دولت هم در آن صورت کمتر است و بجهت خود دولت از حیث فرع و غیره بهتر و مشروعتر است که ملک را بعنوان بیع بردارد بعنوان فرع و اینها نباشد بنده گمانم این است که بعد ها هر کس طالب کار بشود و از تمام دنیا این اسم برداشته شود و مردم دنیا راضی نشوند يك کسی بهر وسیله شد يك پولی جمع کند بدهد بيك بانکي و مردم ديگر کار کنند فرعی را بدهند بار و او برود عیاشی کند يك وقت ديگر هم خواهد شد ولی يك مدتی کار دارد تا مردم همه عقیده شان این بشود که باید کار کرد و نان خورد و هر کس نمیخواهد بزور شلاق برود کار کند انشاء الله امیدواریم این عقیده بطور مشروع در تمام کله ها پیدا بشود يك نظرم این بود که این لفظ فرع را بر دارند و بعنوان بیع شرط باشد و بنده فکر میکنم که هیچ قسم محظوری هم در این بین نیست که اسباب اشکال شود و محتاج وکیل کردن باشد و در ضمن فروشنده بیاید وکالت بدهد بیانك اینها را لازم ندارد وقتی بیع شرط گذاشت و موقعش رسید خود بانك میتواند بفروشد چیزی که هست بملاحظه صرفه اشخاص و فلاحین قانونی قاعده بگذارند که زیاده از حقوق خودش را بصاحب ملک برگرداند نه اینکه زیادیش را خودش بر دارد. بنده این نظرم است در کلیات بعد ماده بماده هم بعضی عرایض دارم که موقع خودش عرض میکنم امیدوارم این عرایض بنده مورد توجه شود

اعتیاد (مخبر کمیسیون اقتصاد ملی) - در قسمت اصل قانون که البته آقای فیروز آبادی نهایت موافقت را دارند یعنی همه موافق هستیم ولی در خصوص بیع که فرمودند این را باید مسوق باشید که بانك فلاحتی نظر ندارد از اینجا يك استفاده کرده باشد واقعا ربح بدهد یا

فرع بگیرد. این صد چهار صد شش حد اقلی است که برای مخارج بانکی لازم بوده است منظور شود و این نظر حضرتعالی هم چندان اشکال ندارد ممکن است پیشنهاد بفرمائید شور اول است در شور دوم يك عبارتی پیدا کنیم که بهتر باشد.

رئیس - آقای هزار جریبی

هزار جریبی - بنده با اصل لایحه مخالف نیستم ولی این لایحه بطوری تنظیم شده است که آن نفعی را که در نظر داریم بهیچوجه من الوجوه عاید نمیشود برای اینکه اولاً در ماده شش ملاحظه بفرمائید میگوید ملک باید ثبت شده باشد در صورتیکه در ملکیت هنوز ثبت اسناد دائر نشده است خیلی جزئی در طهران (خانه ها ثبت شده است) در خارج در خط شمال ابتدا نیست ثبت اسناد زفته است جدیداً يك مأموری فرستادهاند برای ثبت اسناد شمال برود ثبت اسناد بشود ده سال طول میکشد و یکی از ولایات حاصلخیز شما خط مازندران و گیلان و استرآباد است (فیروز آبادی - خط شمال) خط شمالی است آنجا توتون که مرقوم فرموده اید توتون کشف - نیشکر - پنبه اینها همه در مازندران و در این خط شمال عمل می آید و بنا بر این تا ده سال بهیچوجه من الوجوه بانك بآن خط فایده نخواهد داد برای اینکه ملک ثبت شده که ندارد پس در این ماده اگر چنانچه صلاح بدانید (یعنی اگر خط شمال منظور نظر هست) باید بنویسد املاکی که مالکیت تقاضا کننده محرز و مورد تصدیق باشد این يك اشکال و اشکالات دیگر هم دارد مثلاً در ماده یازدهم (یکی یکی را حالا بنده عرض میکنم) میگوید تعهدات استقراض کننده بشرح ذیل باید در قرارداد تصریح شود: الف - قبول اینکه هرگاه در موعد معین مبلغی که باید بعنوان منافع سالیانه یا قسط استهلاك تأدیه نماید نپردازد بانك حق دارد بمدیون اخطار نماید که اگر در ظرف یکماه منافع با قسط مقرر پرداختند درین مؤجل او حال شده و کلیه وجه استقراضی و منافع فوراً قابل استرداد میشود ممکن است در همین موقع ذرائع

اصلا عمل نیامده باشد استقراض کننده که باید لغت عمل بیاورد و اجرت المثل بدهد ابتدا آن لغت بعمل نیاید و آنوقت آن دین مؤجل او حال میشود او اجازه فروش دارد و میتواند با متخصص خودش قیمت میکند ببرد بفروشد و مهلت شش ماه بایکماه مانع نمیکند برای اینکه یکسال طول خواهد کشید تا لغت دیگر عمل بیاورد پس این اصلا خوب نیست زراعت در سال طول دارد و اگر زراعت پاییز شد بنده هم یکبارم پنج هزار تومان یا دو هزار تومان بیانك بدهکارم اصلا زراعت من عمل نیامد چکار کنم اگر احتیاج شتم چرا قرض میگردم برای آنکه مالکین دوطبقه اند طبقه اولند و يك طبقه دوم (و طبقه خرده مالک همان طبقه دوم است) طبقه درجه اول اصلا محتاج نیست آنها در هر کردند و بهیچوجه محتاج بقرض نیستند بلکه آنها نمیدانند ملک کجا است املاکشان چه جز است يك ملک خدا داده دارند و زارع زحمت میکشد بخورند پس فلاح و خرده مالک احتیاج باستقراض در مالک کل که استقراض نمیکند پس او میآید ملکش گرو میکند و زراعت میکند و اینها هیچ عمل نمیآید آنچه خیلی اتفاق افتاده است در مازندران پنبه هیچ عمل نمیآید برخی در سالهای خشکسالی هیچ عمل نمی آید آنوقت میکنند این دین مؤجل او هم حال خواهد شد و يك هم بیشتر مهلت ندارد آنوقت ملکش از بین میرود یکی یکی دیگر این که پنبه در مازندران هر جریبی تومان خرج دارد بگوید ثابت میکنم پنبه هر جریبی سی تومان خرج دارد يك جریب پنبه وقتی که تخم آنرا بطرز امریکائی بزم ۷۰ الی ۸۰ بوط پنبه دارد اگر مالک خودش قدرت را داشته باشد که دو هزار تومان سه هزار تومان پنج هزار تومان بدهد برای مخارج نیشکر مازندران هر قفیری هفتاد تومان (و هر ده قفیر يك جریب است) خرج دارد و وقتی که نیشکر بکارند يك جریب ده هزار ذرع مضروب هزار و پانصد من نیشکر

میدهد و آنوقت دوبست و پنجاه تومان سیصد تومان مخارج دارد ولی کی بخرد این نیشکر را؟ پس باید دولت يك کارخانه قند سازی یا نیشکر بیاورد در يك مرکزی در علی آباد و اعلان بکنند که من نیشکر را میخرم تا زارع بکارد. اما کشف کشف این جور است يك کشفی است که ما سالهای سال آنجا داریم برای روشن درخانه ها است و از آنها رسمان درست میکنند برای لباس و لباس درست میکنند این را بنده امتحان کردم و در هر جریبی هزار و چهار صد تومان کشف عمل میآید اما بشرطی که آنرا با طرز خوبی درست کنند و با آن گونی درست کنند پس باید دولت کارخانجات دستی از آلمان بیاورد و وارد کند و آن کارخانجات گونی بافی را بدهند برعایا و مالکین که گونی بافی بکنند و غیر از این فایده ندارد. توتون جریبی هفتاد تومان خرج ذرد و يك جریب توتون هفتاد تومان مخارجش میشود سی بوط ۲۵ بوط عمل میآید اما این باید افلاً اطمینان داشته باشد که توتون بکارد که وقتی که توتون کاشت نبرند اصل اساس این است همچنین سایر چیز ها و غیر از اینها عیوبانی دیگر هم در این لایحه است که اصلا جلوی آبادی را می بندد و دیگر کسی زراعت نمیکند امروز بنده و عمر و وزید مشغول فلاحت هستیم باهم شرکت میکنیم و فلاحت میکنیم و ملک هم از یکدیگر بیع شرط میکنند بدون این شرط که در اینجا هست ولی وقتی که این لایحه بگذرد با این قیود و شروط البته دیگر تجار و سایر مردم نخواهند داد پس اول باید بانك طریق این را اصلاح کرد. و بنده در تمام مراد نظریاتی که دارم خواهم گفت و مخالفت های خودم را میکنم و رای هم ندارم.

وزیر امور خارجه (آقای فروغی) - بعضی از فرمایشات آقا مربوط بود به مواد و اجزاء و مربوط به کلیات نبود و بنده آنها را جواب نمیدهم مثلاً مسئله ثبت اسناد مربوط است بماده ششم اما بطور کلی بنده اینجا میخواهم عرض کنم و یقین دارم که این مسئله ممکن است بذهن آقایان بیاید و اینجا مذاکره شود که

شاید اگر بنده اینجا عرض کنم بکفدري مذاکرات را کوتاه تر بکنند و آن این است که باید متوجه باشیم که این بانك فلاحی برای چه تأسیس میشود مثنی یکی بکفدري غور میخواهد البته در بادی نظر گفته میشود که بانك فلاحی تأسیس میشود از برای اینکه فلاح را توسعه بدهد و فلاحین دستگیری کند ولی به بینم بانك فلاحی یعنی چه آیا يك بانکی است از برای دستگیری فلاحین اگر این باشد نظر آقایان بنده عرض میکنم دولت که این قانون را پیشنهاد میکند نظرش این نیست و عقیده نداریم و جدیت هم خواهیم کرد که هر يك از آقایان که این نظر را داشته باشند از آن عقیده منصرف شوند. این بانك از برای كلك و دستگیری فلاحین و زارعین نیست برای ترقی فلاح است و راهش را هم ما اینطور تصور کردیم که اینطور اینجا پیش نهاد کنیم اگر میخواستیم به فلاحین یا رعایا یا مالکین دستگیری کنیم قید نمیکردیم که هر كس نیشکر یا چغندر یا ایرشم یا فلان یا فلان چیز کاشت خیل فلاح و رعیت در این مملکت است و اکثر اهل مملکت فلاحند و اکثرشان هم شاید احتیاج بدستگیری دارند اما این را ما نمیتوانیم و دولت هم از عهده این برنمیآید که دستگیری از کلیه دهاقین و فلاحین و رعایا بکنند این برای این است که فلاح را مابین دازیم در يك رشته هائی که برای این مملکت بیشتر فایده دارد و الا هر كس گندم میکارد محتاج بیول است برنج هم میکارد محتاج بیول است جو هم که میکارد محتاج به پول است خیلی داریم از رعایا که وقتی میخواهند گندم بکارند برای برنج محتاج بیول هستند ولی این بانك برای این چیزها تشکیل نمیشود این بانك تشکیل میشود برای هر كسی که میخواهد زراعت این مملکت را ترقی بدهد یعنی جنس بد را مبدل کند بجنس خوب جنسی را که نداریم یا محتاج هستیم و فایده دارد آنرا ایجاد بکنند بمفرمائید نیشکر اگر میخواهیم بکاریم اول باید کار خانه قند داشته باشیم البته اینطور است و مسلم است امروز اگر چنانچه يك مالك مازندرانى برود به بانك فلاحی بگوید که بمن پول قرض

بدهید برای اینکه نیشکر بکارم مطمئن باشید که بانك فلاحی باو قرض نخواهد داد بجهت اینکه بانك باو خواهد گفت که نیشکر را میخواهی بکاری که چکار کنی او عقلت آنقدر کم باشد که بمجرد اینکه نیشکر در قانون بانك فلاحی که برای نیشکر کار قرض میدهم آن ملاك بدون اینکه فکر کند که نیشکر را وقتی کاشت چکارش بکند برود به بانك بگوید بمن پول قرض بده نیشکر بکارم بانك آنقدر غفک میرسد که باو بگوید نیشکر کاشتن حالا فایده ندارد صبر کن آروز که کار خانه قند درست کردند آنوقت این کار را بکن این کلمه نیشکر را هم که ما این گذاریم از برای این است که فردا که کار خانه قند در مازندران تأسیس میشود بعد از آنکه ما مطالب کردیم و دیدیم نیشکر در مازندران بطور خوبی بر می آید آنوقت پول قرض میدهم که بدائیم خوب بر می آید و در تاریخ هم ما خوانده ایم که در خوزستان نیشکر بعمل می آمده است و خیلی هم مصرف میشود است ولی امروزه باوضعياتی که قند را از چغندر میگیرند باید امتحان کرد و به بینیم نیشکری که میشود آن چغندر قند میدهد و وقتی که در کار برديم چند من قند در می آید و آنوقت با مقایسه چغندر صرف دارد یا ندارد آروز که ما مطالعه کردیم (ظن غالب این است) که نتیجه مطالعاتمان خوب در بیاید ولی امروز قبل از مطالعه نمیدانیم که چقدر خواهد بود و وقتی که مطالعه کردیم و دیدیم که خوب است و دولت یا اهل سرمایه و تجارت این مملکت صدد این بر آمدند که کار خانه نیشکر در مازندران خوزستان تأسیس کنند آنوقت که این کارخانه تأسیس شد آنوقت ما میرویم از صاحبان اراضی تقاضا میکنیم که بیائید نیشکر بکارید و بانك فلاحی هم حاضر خواهد بود برای کسی که محتاج سرمایه باشد و لازم باشد پول بدهد پس باید این تقاضا را بکنم که بکنند

بیشتر تأمل بفرمایند در این موضوع و خصوصاً در این مسئله که آنرا من باید مکرر کنم و یقین دارم که باز هم محتاج خواهیم شد که مکرر عرض کنم این بانك از برای دستگیری فلاحین و رعایا نیست حالا بانكهای دیگری اگر کار هائی بکنند آن امر دیگری است ولی این بانك از برای كلك کردن باشخاصی است که مطابق منظور وزارت اقتصاد و دولت و مجلس شورای ملی فلاح و زراعت مملکت را رو به بهبودی بیاورد و ترقی میدهد و آن راهش این است که اینجا نوشته شده بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است رئیس - رأی میگیریم برود در شور مواد موافقین قیام فرمایند (عده زیادی قیام نمودند) رئیس - تصویب شد. ماده اول قرائت میشود: ماده ۱ - وزارت مالیه از سال جاری تا ده سال هر سال مبلغی که کمتر از پانصد هزار تومان نخواهد بود برای تأسیس بانک ملی سرمایه فلاحی بانك ملی تأدیه خواهد کرد رئیس - آقای فیروز آبادی فیروز آبادی - بنده عرض کردم خیلی تشکر میکنم از آمدن این لایحه و امید وارم که دستگیری از فلاحین و زارعین بشود و موجب سعادت فلاحین و همه چیز شود اما بشرط اینکه مثل گندم این سالها نشود که فلاحین بیچاره زحمت کشیده اند و گندم را عمل آورده اند و روی دستشان مانده است و کسی ازشان نمیکرد و دولت هم اجازه نمیدهد که بکسی بفروشند و همینطور مازندران مانده اند امید وارم این قسم نشود این را هم دولت مورد نظر خودش قرار بدهد که قول و فعلش با هم موافق باشد اینجا در این ماده اول نوشته است هر سال مبلغی که کمتر از پانصد هزار تومان نباشد. بنده عقیده ام اینست که برای این امری که در نظر گرفته شده بیشتر از اینها لازم است برای اینکه همه میدانید محتاج بتوضیح نیست صاحبان املاک هیچ فرق نمیکند دولت است تنك شده اند بجهت اینکه متاعشان خریدار ندارد غالباً از انجام کار های فلاحی چه مالکین و چه زارعین

باز مانده اند امیدوارم که این لایحه و این بانك رفع سختی آنها را بکنند اما چیزی که هست سالی پانصد هزار تومان بعقیده بنده کم است يك مملکت با این وسیعی و با این بزرگی امر فلاحیست با این زیادی آنوقت سالی پانصد هزار تومان آنها محدود است تا ده سال خیلی کم است بلکه بعقیده بنده اگر بشود سالی يك میلیون و تا بیست سال هم باشد که سال بسال افزوده شود به این سرمایه بانك که بلکه بتوانند يك کار هائی بکنند بلکه بوسیله این پول بتوانند چاه های ارزین در بیآورند و اگر اشکال دارد محال نیست اگر ما خودمان را قابل ندانیم نمیدانم ولی محال نیست دیگران چاههای ارزین که صد فرسخ در صد فرسخ آبادانی نیست در آورده اند و آنجا ها را آباد کرده اند در آنجا ها کیانی تشکیل داده اند این جا هم باید اقدام کنند و دولت هم مساعدت بکند و اسباب تشویق و رغبت فلاحین و رعایا را فراهم کند که آنها در صدد ترویج فلاح خودشان در صدد تزئید فلاح خودشان بر بیایند و چاههای ارزین در بیآورند ملك های بایر را دایر کنند چیز هائی که برای صادرات مملکت نافع است بیفزایند و چیز هائی که برای احتیاج داخلی است بیفزایند تا مملکت رو به صلاح و فلاح و ترقی برود والا اگر چنانچه مثل سابق بخواهیم باسم بگذرانیم کار رو به خرابی خواهد رفت امیدوارم که دولت بکفدري مبلغ را زیاد تر بکند اگر میتواند سالی يك میلیون و اگر هم میتواند مدتش را ۲۰ سال قرار بدهد وزیر امور خارجه - بنده گمان میکنم دولت الحمد لله بوعده های خودش وفا کرده است و قول و فعلش منطبق بوده اما در خصوص این که میفرمایند این کم است البته هر چه بیشتر بهتر ولی باید توجه کرده باین که این کار را دولت میکند و مابیه دولت محدود است البته آقا مثل بعضی مردم یعنی بسیاری از مردم نیستند که تصور کنند که دولت يك گنج باد آوری دارد و يك جائی دارد که هر قدر پول میخواهد دست میکند و بر میدارد

بانك ملی ایران عبارت این است که برای پیشرفت امر تجارت و فلاحت و زراعت و صناعت دولت مکلف است بانکی موسوم ببانک ملی ایران تاسیس نماید پس این جا در واقع دولت عمل کرده است بقانونی که در دوره ششم دولت را مکلف کرده بود بتاسیس بانک ملی . بحمدالله دولت ما هم موفق شد و بانک ملی را تاسیس کرد - بانك ملی که تاسیس شد در آن تاسیس بانک فلاحتی از برای چه بود؟ از برای فلاحت بود و مسلماً معنای فلاحت هم همراهی کردن با فلاحین است. فلاحین ما بیچاره اند و پول ندارند و محتاج هستند باینکه شعبه فلاحت تشکیل شود در خوزستان در ساحل بحر خزر در همه جا آنوقت تقویت بشوند معذک آقای وزیر فرمودند که تاسیس این شعبه برای این نیست بنده از اینجهت یکقدری نگرانی پیدا کردم مگر اینکه توضیح بدهند که نه و اینکه دولت در نظر دارد هم برای ترقی صادرات و هم کمک کردن بزارعین است وقتی که دولت این را صحبت بدارد همینجور که یکنفر از نمایندگان (آقای هزار جریبی) اظهار کرد فردا يك پولدار باین فلاحین پول نخواهد داد در صورتیکه اگر اینطور باشد این رقابتی ایجاد میکند که اگر پولداری در مملکت پیدا شود بیاید پول بآنها بدهد و از آنها تقویت بشود بنده عرض میکنم که دولت از برای ایجاد این حس باید اینکار را بکند که سرمایه داران اگر پولدارند بیرون بیآورند والا دولت تاسیس شعبه فلاحتی کرده است برای چه؟ و خوبست توضیح بدهند آقای وزیر اقتصاد که اولاً و بالذات نظر اینست که تاسیس بانک فلاحتی کرده باشیم و ثانیاً و بالعرض برای همراهی کردن با فلاحین است موضوع دیگر که خواستم توضیح داده شود و جایش در ماده اول بود ولی چون نظر به پیشرفت کار دولت است اگر خارج از موضوع هم شدم امید وارم به بخشند بعد هم نظر باین است که آیا نمایانم خود دولت تعبیر کرده بود همین جور که در مقدمه قانون نوشته شده است راجع بتاسیس بانک فلاحتی از این نقطه نظر که لایحه

دولت تاسیس بانک فلاحتی بود بنده هم پیشنهاد کرده قبل از تکلمه سرمایه فلاحتی نوشته شود سرمایه بانک فلاحتی ولی از این ماده دوم و سوم معلوم میشود نظر بانک فلاحتی نیست نظر این است که بانک ملی دارای شعبی باشد شعبه فلاحتی داشته باشد شعبه تجارتی داشته باشد شعبه صنعتی داشته باشد این یکی از شعبی است که در بانک ملی است بانک ملی دارای شعب متعدد است و امسال بحمدالله موفق میشویم بهمت آقای وزیر امور خارجه که کنفرانس اقتصاد هم هست شعبه بانک فلاحتی را تشکیل میدهد بعد شعبات دیگر را هم متسدرجاً اگر اینطور است پس عنوان بعد اگر قانون راجع بتاسیس بانک فلاحتی است این معنی ندارد راجع به تاسیس شعبه فلاحتی بانک ملی باید باشد

کفیل وزارت اقتصاد ملی - اما در قسمت اول فرمایشاتتان که فرمودید راجع به رعایت البته دولت باید در نظر داشته باشد که همراهی بکند با فلاحین عرضی را که بنده کردم میدانستم که درست بود توجه نخواهد شد عرض کردم از برای دستگیری فلاحین و رعایا و الیکین ما بانک تاسیس نمیکنیم و دولت باید توسعه پیدا کرد که مستقل بشود آنوقت میشود چرا؟ برای اینکه ما در نظر نداریم که فلاحتی و فلاحین مالک فقیر است و ما از او دستگیری نمیکنیم این نیست منظور من منظور ما اینست که اشخاصی از مالک ورعیت و فلاح که خیالاتی داشته باشند در ترقی دادن فلاحت جنس تبدیل بجنس خوب کردن جنس غیر مرغوب خود را تبدیل بجنس مرغوب بکنند موجبات ترقی فلاحت را فراهم بکنند و سرمایه آنها یا کم باشد یا هیچ بنده آنوقت این بانک از برای این تاسیس میشود که بانک کمک بکند و الا اگر شما نگاه بکنید اکثر مردم مملکت محتاجند و این بانک برای این نیست عرض کرد که کمک بکند که فلاحین ما پول دار بشوند فلاحین پولدار میشوند در صورتیکه آن خیالاتی را که ما در نظر داریم از برای فلاحت و زراعت آنها را عمل کنند

نظر بکیرند آنوقت البته مردم پولدار میشوند و البته به تبع آنها مملکت هم متمول میشود این قسمت فرمایشات آقا و اما اینکه فرمودید بانک فلاحتی توجه بنده سوم کرده بودید این اعتراض خودتان دفع میشد امروز که فقط دولت پانصد هزار تومانی سرمایه میکذارد از برای بانک فلاحتی این پانصد هزار تومان گنجایش و اقتضای این را ندارد که يك بانک ما درست کنیم باسم بانک فلاحتی و يك چیزی را و يك اداره و ترتیباتی را منحل شویم را فعلاً يك شعبه از کارهای بانک ملی قرار میدهیم با يك شعبه مستقل داخل نمیکنیم البته تا امروزه بانک ملی که بوده است مانعی نداشته است از اینکه مالک و ورعیت قرض بدهد ممکن است شاید هم باشد. اما این مخصوصاً تاسیس میشود يك شعبه مستقل بجهت قرض دادن ارباب فلاحت . امروز يك مستقل نخواهد بود اسمش بانک فلاحتی نخواهد بود اسمش شعبه بانک ملی است که انشاء الله وقتیکه سرمایه که دولت باو داده است زیاد شد و هم عملیات گسترده پیدا کرد که مستقل بشود آنوقت میشود چرا؟ بهمین دلیل هم آن پیشنهادی هم که در دوم فرمودید مورد نداشت و اگر محل مذاکره شد بنده همین جواب را میدادم و از آن طرف هم مابین این موادی که این جا هست با عنوان لایحه وجود ندارد برای اینکه تا بحال مقصود نیست فلاحتی بود ولی عجالتاً يك شعبه فلاحتی در بانک تاسیس میشود .

عده از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - ماده چهارم قرائت میشود :

ماده چهارم - شعبه فلاحتی هیچ قرضی نخواهد داد

برای انجام یکی از مقاصد ذیل :

۱ - برای دائر ساختن مجاری آبی که بر اثر حوادث

شک شده بابرای بدست آوردن آب تازه (تقیه قنوات

موجوده بدست آوردن آب تازه محسوب نمیشود)

۲ - برای ایجاد یا توسعه زراعت و تحصیل محصولات چای - پنبه - نایل - روناس - ابریشم - کنف - نی شکر - توتون - تنباکو - پسته - بادام و هر نوع محصولی که وزارت اقتصاد ملی ایجاد و توسعه آنرا در منطقه که ملک است قراض کنند در آنجا واقع است لازم بدانند

رئیس - آقای کیا

کیانوری - عرض کنم در این قسمت اول از برای قنواتی که خشک شده یا قنوات جدید الاحداث است ولی قسم سوم را علاوه بر اینکه تصریح نکرده است نمی کرده و آن این است که يك ملک دارای سه چهار قنات باشد و اینها آبش باندازه کم شده باشد که هیچ احتیاجش را رفع نمیکند پنج سنک آب داشته حالا منحصر به پنج سیر شده و علاوه بر اینکه مواردی را که احتیاج عمومی است وارد نکرده اند این استثناء را هم کرده اند تقیه قنوات موجوده بدست آوردن آب تازه محسوب نمیشود. بنده میخواستم تقاضا کنم این قسم سوم را هم داخل کنند . و قسمت بین الهالین را بر دارند

کفیل وزارت اقتصاد ملی - این قسمت هم مطابق عرایضی که سابقاً کردم مقصود این نیست که هر کس قناتی دارد آبش کم است و میخواهد آبش را زیاد بکند بیاید از بانک فلاحتی پول بگیرد سرمایه بانک ملی هم عجالتاً این کار کفایت نمیکند مقصود این است که کارهای لازم تر بکنند ملک که هیچ قنات ندارد یا آن ملک که قناتش بر اثر حوادث بکلی از بین رفته که مالک نمیتواند از عهده ر بیاید و درست کند یا اینکه آبهای تازه و وسایل دیگری مثل چاه آرتزین که آقا فرمودند بخواهد درست کند یا سد بستن برای رود خانه باشد و اینبنده يك قناتی دارم که دو سنک آب دارد دلم میخواهد سه سنک یا دو سنک و نیم بشود این در مملکت هزار ها است برای اینکار نیست .

رئیس - آقای مؤید احمدی

ملوید احمدی - بنده قبل از ورود در موضوع نمیتوانم از يك موضوع صرف نظر كنم و امروز صبح مخصوصاً با آقای دشتی صحبت می‌کردیم که از ۱۳۲۴ قمری که مملکت ایران مشروطه شد مرامنامه های مختلفی حساسین و وطن پرستان ایران نوشتند و احزاب مختلفه تشکیل دادند و در تمام آن مرامنامه ها نوشته شده بود قانون نظام وظیفه تاسیس بانک فلاحی وضع مالیات بر عایدات الغاء کاپیتولاسیون و از این قبیل چیزها و تمام اینها در این سنوات از قوه به فعل نیامده و فقط روی کاغذ آمده بود و ما خیلی خوشوقتم و باید تشکر کنیم که از وقت طلوع توکب اعلیحضرت بهلوی تمام این مواد بموقع عمل و اجرا در آمد (صحیح است) و امروز لایحه اصلاح بانک فلاحی به مجلس آمده و حقیقه باید همه وطن پرستان و همه آزادی خواهان و همه اشخاصی که علاقه باین مملکت دارند تشکر کنند ولی البته این لوايح را نباید جواری نوشت که بعضی از مردم که بیشتر محل احتیاجشان است محروم بمانند مثلاً در این شق اول ماده چهارم اختصاص داده شده است پول قرض دادن به دو جور مردم یکی برای ساختن مجاری آبی که بر اثر حوادث خشک شده یکی هم برای احداث قنات جدید لکن چون کرمان یکی از ایالاتی است که مثل خراسان و یزد دارای قنوت زیاد است و احتیاجات آنها را ما بهتر می‌دانیم مثلاً در چند سال قبل از این در کرمان بارندگی زیادی شد و يك سیلی آمد و قنوت آنجا هم البته بمرض آقایان رسیده است از چهارده فرسخ است تا پنج فرسخ و این قنوت را سیل پر کرد و اغلب اشخاصی که مأمول بودند و تمکن داشتند هسقی خودشان را خرج کردند و توانستند و لکن بعضی هم نتوانستند بعضی جاها هست که بواسطه آن سیلی که مبرزد خشک نمی‌کند آنها خراب می‌کند و قناتی که پنج سنک آب دارد در اثر سیل یا در اثر حادثه دیگر آبش میرسد بيك سنک البته این يك مبلغی خرج لازم دارد که باز پنج سنک آب را بیاورد و اینماده بکلی

آن را محروم کرده است و اغلب محل احتیاج آنها است و یا آمده است يك مبلغی خرج کرده است يك قدری آب جاری شده ولی بقیه آب جاری نشده و همین طور که آقای کیا فرمودند بعقیده بنده اگر آن شق اول باطلافتش واگذار شود شامل این قسمت هم می‌شود ولی يك پراوتزی باز کرده بيك مخصوصی بر خورده که این عموماً را می‌برد از بین و عقیده بنده این است که این پراوتز حذف شود و ماده باطلافت خودش واگذار بشود که آنها هم استفاده کنند این است که برنی هم پیشنهاد حذف آن پراوتز را عرض کرده ام. **جمعی از نمایندگان** - مذاکرات کافی است. **بروجردی** - بنده مخالفم **مخبر** - بطوریکه فرمودند نظر دولت و نظر کمیسیون این بود که بانک فلاحی مخصوصاً برای يك کارهای نیاز که ما نداریم اختصاص داده شود ولی البته ما اگر و ملان کافی بود و از پانصد هزار تومان اگر يك مبلغ خیلی بیشتری بود اشکالی نداشت که در این منظور هم بيك کمک هائی کرده شود ولی تصدیق بفرمائید که میان ما خیلی محدود است پانصد هزار تومان است اگر بخوایم این روزه را باز کنیم که مثلاً در کرمان سیل آمده است و چند قنات را خراب کرده است خوب اگر اگر خیر آبی هم از آنها جاری است اینها را هم اگر بخوایم اجازه بدهیم و موافقت بکنیم تصدیق بفرمائید که این پول بدرد هیچیک از کار هائی که منظور دولت و منظور مجلس است نخواهد خورد بنده خیال می‌کنم که در این قسمت باید بهمین ترتیبی که دولت لایحه تنظیم کرده موافقت بشود بعد بگذاریم این کار بخیر یا بیفتد در ضمن عمل البته خود دولت بانک که منظورش توسعه زراعت و فلاح است در صورتیکه لازم بداند اشکالی ندارد که بيك پیشنهاداتی بکند و این قانون را اصلاح بکند - علاوه اینجا در آخر ماده راجع بحنا که فرمودید بنده خدمتشان عرض کرده

فرمودند که اشکالی ندارد از اینکه پیشنهاد بفرمائید و ما مطالعه می‌کنیم **جمعی از نمایندگان** - مذاکرات کافی است **بروجردی** - بنده مخالفم **رئیس** - آقا جماعتی باقی مانده اند اگر بنا بشود کافی باشد. آقای فیروز آبادی **فیروز آبادی** - بنده اینجا عرض می‌کنم آن نظر صحیحی را که می‌فرمایند اگر بنا بشود ما توسعه بدهیم که تمام قنوتی را که خشک شده است از این مبلغ پانصد هزار تومان سال اول یا از پانصد هزار تومان سال بعدش بدهند نمیشود از همین نظر بود که بنده از اول عرض کردم که این مبلغ از برای این منظور عالی کم است اما خوب است اینجا اختیار را يك اداره بدست مصدقین این يك قرار بدهید اگر جایی لازم دانستند که مساعدتی صاحب قنات بشود بکنند اگر يك قناتی دارای ده سنک آب بوده است و حالا رسیده است بيك سنک و اگر صد تومان خرج کند آبش در میآید اینجا مساعدت کنند و اگر اینطریق نیست نکنند بنده باین نظر عقیده ام این است که اختیار در دست بانک باشد که هر جا صلاح دانست تصدیق مصدقین و همزین خودش برای تنقیه قنات هم مساعدت کنند و هر جا صلاح ندانست نکند. در بيك مطلقاً نشود بنده موافق نیستم و اینجا هم در آخر ماده میگوید در منطقه که ملك استقراض کننده در آن جا واقع است لازم بداند لفظ لازم بداند را صلاح بدانند بکنند بهتر است بعقیده بنده بهتر و شاملتر است این عقیده بنده است در این ماده **رئیس** - آقای بروجردی **بروجردی** - عرض بنده در این ماده ۴ راجع بمصارف است عرض کنم مصرف اصلي مصرف دائر کردن املاک مخروبه است و این البته در وهله اول مقدم است بر سایر چیزها بيك آبادی دائر است برای مصرف چای کاری یا بینه کاری دولت از آن وجه بانک باو اختصاص میدهد. غلطی که بهیچوجه دائر نیستند و مالکین شان از عهده

دائر کردن آن املاک بر نمی‌آیند يك قسمت از این املاک املاک خرم آباد است (دولت‌شاهی - و کلیایگان) و کردستان و سایر نقاط دیگر و همه جا بنده چون از این نقطه بصیرت دارم عرض می‌کنم البته وقتی هیچ رعیت ندارند هیچ سکنه ندارند بعقیده بنده در اول وهله این مقدم است آنها محالی بوده اند تماماً مخروبه و با توجهات دولت و عطف توجه اعلیحضرت هم بونی امروزه امنیت پیدا کرده اند ولی تمام مخروبه و در صحرا افتاده و بعقیده بنده مقدم بر مصارف تامین آبادی و مساعدت باسکنه است پیشنهادی هم در اینموضوع عرض کرده ام **مخبر کمیسیون** - بطوریکه عرض شد منظور همان بود که آقا توضیح فرمودند نظر بالاخره آبادانی و ملات خراب را آباد کردن نیست منظور همان است که در لایحه توضیح شده برای ایجاد يك صادراتی است که ما نداریم یعنی اگر هم داریم وسائل را نداریم که این را تکمیل کنیم آبادی خرم آباد که اشاره فرمودند بطوریکه خاطر آقا مسبق است دولت در این قسمت کوتاه نیامده مخصوصاً تشریف ببرید و چون دیدید عرض می‌کنم خرم آباد یا لرستان آن روز را نمیشود با امروز تطبیق کرد با مصارفی که شده است. در قسمت عمران لرستان آبادی های زیادی شده است و تصور می‌کنم با این ترتیب منظور حضرتعالی هم تامین و عملی شود. **جمعی از نمایندگان** - مذاکرات کافی است **رئیس** - پیشنهادات قرائت میشود: **پیشنهاد آقای مؤید احمدی** بنده پیشنهاد می‌کنم در فقره ۲ ماده ۴ محصول حنا علاوه شود. **پیشنهاد آقای دکتر طاهری** مقام منبع ریاست دامت عظمته پیشنهاد میشود قسمت (۱) در ماده چهار اینطور اصلاح شود: ۱ - برای دائر ساختن قنوتی که بر اثر حوادث خشک شده با برای بدست آوردن آب تازه یا پیش

بردن قنوانی که آب آن نسبت بسابق کم شده تا آخر .

پیشنهاد آقای مؤید احمدی

بنده پیشنهاد میکنم توضیحی که در عبارات بین برانتر و فقره اول در ماده ۴ نوشته شده است حذف شود .

پیشنهاد آقای دهستانی

مقام منبع ریاست مجلس دامت عظمه پیشنهاد میکنم تبصره ذیل بماده چهار اضافه شود:

تبصره - برای اشخاصیکه بخواهند اراضی موات را احیاء کنند و دارای وثیقه و علاقه ملکی نباشند بانک میتواند بضامات اشخاص معتبر و یا بوثیقه اموال منقولی قرض بدهد

پیشنهاد دیگر آقای دهستانی

مقام منبع ریاست محترم دامت شوکتة پیشنهاد میکنم قسمت اول ماده ۴ بطریق ذیل اصلاح شود:

(۱) برای دائر ساختن مجاری آبی که بر اثر حوادث و یا عدم بضاعت مالک خشک شده و یا نو کار برای بدست آوردن آب تازه لازم بشود (تنقیه قنوات دائر جزو بدست آوردن آب تازه محسوب نمیشود)

پیشنهاد آقای فیروز آبادی

بنده در ماده ۴ حذف لفظ (تنقیه قنوات موجوده بدست آوردن آب تازه محسوب نمیشود) پیشنهاد میکنم

پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب

پیشنهاد میکنم در ماده چهارم در قسمت دو از کلمه و هر نوع الی آخر حذف شود

پیشنهاد آقای عدل

پیشنهاد مینماید در بند چهارم از ماده ۲ پس از عبارت پسته و بادام علاوه شود و تغییر بذر های غیر مرغوب به بذر خوب و مرغوب و تبدیل جنس مواشی

پیشنهاد آقای کیا

مقام منبع ریاست معظم مجلس دامت شوکتة العالی بنده پیشنهاد مینماید که مقصد اول ماده چهارم بطریق ذیل نوشته شود

۱- برای دائر ساختن مجاری آبی که بر اثر حوادث تقابیل یا خشک شده

پیشنهاد دیگر آقای دهستانی

مقام منبع ریاست محترم دامت شوکتة قسمت دوم ماده چهارم را بقرار ذیل پیشنهاد میکنم:

۲- برای ایجاد یا توسعه زراعت و تحصیل محصولات جای پنبه نیل روان ابریشم کنف نیشکر تنباکو پسته بادام و سایر محصولی که مورد احتیاج می شود و هر نوع مخارج محصولی که وزارت اقتصاد ملی لازم بداند و ساختن سکنه در املاک مخروبه .

پیشنهاد آقای اورنگ

مقام منبع ریاست محترم دامت عظمه بنده در ماده ۴ پیشنهاد میکنم توضیحی که در بین الهالابین درج شده اسقاط شود .

رئیس - ماده پنج قرائت میشود:

ماده ۵ - ربح قرضهائی که برای مقاصد فوق داده میشود از صدی چهار نباید تجاوز کند و منافع مزبور باید باصل سرمایه اختصاصی شعبه فلاحی افزوده شود بانک فقط مجاز خواهد بود مخارجی که برای اداره کردن شعبه فلاحی ضرورت دارد برداشت کند . مبلغی که بعنوان ذخیره احتیاطی برای جبران ضرر های احتمالی باید تخصیص داد نیز جزو مخارج اداری محسوب خواهد شد .

تبصره - در صورتیکه برای مخارج مذکوره در فوق صدی چهار کافی نباشد بانک مجاز است ربح را تا صدی شش بالا برد

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - در اینجا ماده خیلی خوب است برای اینکه دخل و خرج بانک را تعیین کرده است یعنی نسبت به شعبه فلاحی که شعبه فلاحی بانک ملی برای منافع چه در نظر بگیرد برای منافع می که از آن حاصل میشود چه ترتیب بشود اما چیزی که هست راجع بمنافعش که معین کرده است بنده پیشنهاد کردم (عبارت را ما باید

بازی کنیم که قوانین ما واضح باشد) بجای ربح نوشته بود حق الجماله که این حساب را حفظ کند ...

حق الجماله محاسبات

مخبر - حق المضاربه بهتر است .

آقا سید یعقوب - شما آقای اعتبار همچو مصر بنابشید جدید نداشته باشید ...

مخبر - اجرت المثل

آقا سید یعقوب - اجرت المثل نیست معنی ندارد حالا بطوری که شما خواستید معین کنید چیزی که هست طرف غلش را معین کرده اند صدی چهار و مگر محتاج شد بالا تر برود صدی شش بشود ما طرف خرج همچو معین کرده است میگوید بان اندازه اقل ما یقنع در واقع آقای وزیر اقتصاد خوب اقتصاد رعایت کرده است میخواهند اقتصاد را بلکه بکلمات ایجاد کنند

لی خیر بقدر اقل ما یقنع نظر ما این بود که در قانون مگر ملاحظه فرمائید ذکر میکردیم که صدی ده یا صدی پنج بیشتر بر ندارد میزان را بر ندارید چون یکوقت از شما خارج میشود شما مخارج ضروری را در نظر بنده هم مخارج ضروری را میگویم چنانچه نظر تان است راجع بمسئله حق الثبت همچنین در خرجی که آن بنده معین امریکائی صدی هشت گفتند بعد تحقیق کردیم صدی هشت محتاج نیستیم صدی دو کردیم اگر این را در نظر بگیرد هم منظور که منافعش را در نظر گرفتید مخارجش را هم نظر میگردید که محدود میشد بهتر بود حالا میفرمایند ما بنده داریم بیان کرد و در واقع نظارت هم داریم بنده عرض ندارم

مخبر - در آن قسمت که آقای آقا سید یعقوب اشاره کردند بنده عرض کردم اشکالی ندارد ممکن است پیشنهاد فرمائید در کیسیون مذاکره میکنیم يك عبارتی که منظور نظر آقا باشد میگذاریم و در قسمت دیگر بنده خیال میکنم که اگر حضرت تعالی توجه فرمائید این نگرانی مرتفع شود برای اینکه بانک فلاحی این پولی که میگیرد صدی شش این فقط یگانه محلی است که برای مخارج در نظر گرفته شده پول دیگری ندارد که از آنجا

بردارد و خرج کنند از سرمایه که نمیتواند خرج کند فقط محل خرجش آن منافع است که بعنوان ربح گرفته میشود بعنوان صدی چهار یا صدی شش و بیشتر از این نیست ما اگر چنانچه بخواهد مخارج بیشتری پیدا کند نمیتواند از این مقدار تجاوز کند از این محل است محل دیگر نخواهد داشت

رئیس - آقای یاسائی

یاسائی - عرض میشود طرز استخدام مستخدمین بانک ملی بالاخره بنده را ناچار کرده است که راجع بطرز استخدام مستخدمین این بانک هم که بعد شاید استخدام بشود تذکراتی بدهم زیرا بعد ممکن است متوجه شوم و خیال میکنم هر چه بیشتر جلوگیری شود بهتر است بانک ملی شروع کرده است با استخدام اشخاص بدون هیچ شرط و قیدی با يك حقوق گرانی و بالاخره عما قریب خواهیم دید که از این بانک چیزی نخواهد ماند يك اشخاصیکه اهلیت این کار را ندارند يك اشخاص بی سواد با ماهی سیصد چهار صد تومان حقوق اشخاص بی سوادی که دو رقم حساب بلد نیستند استخدام کرده است بالاخره این عاقبت خوبی ندارد حالا بانک فلاحی را هم نوشته ایم که صدی چهار را میتواند تا صدی شش بکند بالاخره با این ترتیبی که معمول به است با توصیه هائی که برای پذیرفتن اشخاص میشود با مستخدمین خارجی زیادی که آورده اند در این مؤسسه بدون تصویب مجلس بالاخره در این مؤسسه يك روزی پشیمان میشوید يك روزی خواهد شد که مجلس و دولت هر دو پشیمان میشوند . عادت دولت بر این شده است (بنده این جا صریحا عرض می کنم) که در این باره میکنند که هر چه میبایست بشود میشود آنوقت یکمرتبه بیدار میشود و يك فشار های خارق العاده باید بکشد مثل وضعیت حالا و هیئت تقشیر و ارزاق ارزاق ماسال دراز درش باز بوده هر چه خواسته اند کرده اند حالا یکمرتبه بیدار شده اند که شانزده هزار

خروار کسر دارد. درست است در قانون جزا نوشته اند که هر که دزدی کرد دستش را ببرد ولی بنده که نباید در ب‌خانه ام را باز نگذارم که نوبی قانون جزا نوشته اند که اگر يك کسی دزدی کرد با يك مقدمات و تشریفاتی این را ببرد محسب بکنند این رویه بعقیده بنده باید ترک شود در موقع عمل دولت باید بیشتر نظارت کند در موقع میبایستی در ب‌ارزاق را باز نگذارد که دزدی بشود که ما مجبور بشویم این قوانین سخت را وضع کنیم با يك فشار هائی که آیا چیزی تدارک بشود یا نشود (آقا سید یعقوب - صحیح است) بنده با نهایت عقیده که بشخص رئیس بانک ملی دارم و عقیده ام این است که یکی از متخصصینی است که واقعاً برای این مملکت ممتنم است (صحیح است) (کلالی - خیلی لایق است) و مطابق اطلاعاتی که پیدا کرده ایم لایق است معذالك ما باید يك نظامانی برای تشکیلات بانک ملی و فلاحی قائل شویم ما بهر يك از وزرایمان نهایت درجه اعتماد داریم ولی قانون محاکمه وزراء را وضع کردیم بهر مستخدم دولتی مادامیکه يك سوء عملی از او کشف نشده است اطمینان داریم ولی هیچ مانع از این نیست که يك نظامنامه و قوانینی برای رعایت این قسمت ها وضع کنیم. بنده يك پیشنهادی کرده ام بعنوان ماده الحاقیه که مجلس هم در این کار مداخله کند يك قانونی خود رئیس بانک تهیه بکند يك اشلی برای مستخدمین غیر متخصص این کار معین کند برای اینکه این بانک يك روز و در روز که نیست يك نظامنامه برای ترفیع رتبه مستخدمین تقاعد مستخدمین و بالاخره محاکمه آنها همانطور که برای مستخدمین دیگر دولت معین شده تهیه نماید چون این يك مؤسسه مستغلی است آن تشریفات را لازم ندارد آن نظامنامه را هیئت وزراء تصویب کند و بعد از آنکه هیئت وزراء تصویب کردند عمل بکنند نه این شکل بطور مطلق. بعقیده بنده حالا اگر چندان بعضی جاها ملتفت نیستند ولی يك روزی ملتفت خواهند شد و آنوقت جلوگیری هم این قدرها بی اشکال نیست.

رئیس - پیشنهادی که مربوط به اینماده رسید است قرائت میشود:
پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب
 پیشنهاد میکنم در ماده ۵ عوض کلمه ربح نوشته شود حق الجماله حفظ محاسبات
رئیس - ماده شش قرائت میشود:
 ماده ۶ - قرض هائی که برای مقاصد سابق الذکر اعطا میشود در مقابل وثیقه دادن املاکی خواهد بود که به ثبت رسیده باشد و بر طبق قرار دادهائی که بین بانک و استقراض کنندگان منعقد و در ثبت اسناد ثبت می شود
رئیس - آقای آقا سید یعقوب
آقا سید یعقوب - در اینجا اگر چه آقای هزار چری بيك بیاناتی فرمودند و بنده هم کاملاً میدانم که حق بودند ولی بيك بیاناتی هم آقای وزیر محترم فرمودند آن بیانات هم عالی بود ولی معذالك آن نظری را که دولت باید بروم آنجا این مسئله خیلی مهم است (پشت تریبون آن نظری را که دولت در نظر دارد منافاتی با این قسمت ندارد از حیث اینکه روح صادرات و فلاحت را افزون دهد و در واقع يك تجربه باشد از برای اینکه سرمایه داران پولشان را در بیآورند و خرج کنند دولت این کار را تشکیل میدهد نه اینکه اولاً و بالذات این از برای قرض دادن به فلاحین است ولی بالتبع آنرا هم شاهد میشود حالا بنده میخواهم عرض کنم حالا که بالتبع این هم در نظر ثانی دولت است نظر اولش آن است نظر ثانی دولت هم این است این قید کردن ثبت اسناد اینها بعقیده بنده اسباب یکقدری فشار میشود برای اینکه منحصر نیست طرق اطمینانی که برای بانک باشد املاک ثبت رسیده باشد اولاً ثبت اسناد ما هنوز عمومیت در تمام مملکت پیدا نکرده است و خیلی از جاها است که یقین داریم دولت هم متوجه است که در آنجا فلاحت را فزونی دهد و ترویج و تشویق کند در آنجا هنوز ثبت اسناد تشکیل نشده است ناچار میشود و در آنجا قهرامند

بشود نه اینکه دولت در نظر نگیرد قهراً بيك بیانات و تریابتی میشود که محدود میشود حالا ما این جا بيك بیاناتی میکنیم شاید برود در کمیسیون و در آنجا موافقت بکنند و توجهی نسبت باین عرایض بشود. کلمه اعطارا رحمت کنید بر دارید پول میدهد و منافعتش را بر بردارید دیگر کلمه اعطا مورد ندارد اعطا چه چیز است؟ پول دادن و قرض دادن و منافع گرفتن و ملك رو گرفتن ابتدا باید طوری باشد که محل اطمینان دولت باشد. حالا منحصر کردید که املاکی که ثبت شده اند این دیگر لازم نیست بجهت اینکه دوات ما مستقر است و طریق عدالت هم دارد که محل اطمینان دولت باشد این قید کردن اینکه به ثبت اسناد رسیده باشد در غالب جاها دست دولت هم بسته میشود مثلاً دولت بخوهد در خوزستان شعبه فلاحی را ایجاد کند هنوز ثبت اسناد هم آنجا نرفته است یا ایندکه در مکران بخوهد از نقطه نظر سیاست یا اقتصادش شعبه فلاحت را ایجاد کند ولی در آنجا هنوز ثبت اسناد نیست چکار کنیم بهتر این است اینجا نوشته شود وثیقه که محل اطمینان دولت باشد دولت هم نظر به سیاست و صرفه خودش ملاحظه میکند در مکران ملاحظه به ثبت اسناد رسیده است آنرا قبول میکند و چیزی دیگر که به ثبت نرسیده است هر چه که محل اطمینان است آخر دولت مثل بنده نیست که قوت داشته باشد دولت قوه دارد از این جهت بنده عقیده ام این است که این کلمه را بردارند و عوضش بگذارند منافع دولت البته بهتر است
ولیر اقتصاد ملی - چون در ضمن مذاکرات در کلیات بنده وعده کردم که در این موضوع توضیح بدهم این است که حالا موقعش است که عرض کنم ولی بيك نکته را باید اولاً عرض کنم که آقایان در نظر داشته باشند که شاید بعد محتاج میشویم بتوجه در این مسئله و آن این است که بانک فلاحی را یا شعبه بانك فلاحی را که تأسیس میکنیم باید در نظر داشته باشیم که معاملاتش

کاملاً معاملات تجارتي باشد نه معاملات پدر و فرزندی یعنی مثل بيك نفر تاجری که معامله میکنند کار می کنند از برای اینکه نفع ببرد و مقید است باینکه سرمایه اش از بین نرود و حتی الامکان عایداتش هم زیاد شود بانك فلاحی را هم از این نظر بگیرد نظر باین نکنید که بيك دولتی پول میدهد بمردم و اگر هم از بین رفت حق نداشته باشد زیرا اگر این نظر را نداشته باشیم در ظرف شش ماه تمام سرمایه بانك می رود آن وقت آنموضوع اساسی که در نظر داشتیم منظور نمیشود و بعمل نمی آید این جا ارفاق و مهربانی و اینها بدرد نمیخورد ارفاق و مهربانی باید بمملکت کرد که آباد شود حالا می فرمایند که املاک لازم نیست ثبت شده باشد املاکی که محل اعتماد دولت باشد بنده خیلی حوشوقت میشوم اگر بيك راه دیگری نشان بدهند که ملك را دولت یعنی بانک بتواند بوثیقه بر دارد بدون اینکه ثبت شده باشد و محل وثوق هم باشد میفرمایند دولت قدرت دارد البته دولت قدرت دارد ولی تجویز می فرمایند که دولت قدرت خودش را بغير وجه عدالت عمل کند. مثلاً بنده میروم از بانک قرض میخواهم باعتبار بيك ملکی که آن ملك را هم ثبت نکرده ام در حالیکه این ملك را باولاد خودم صلح کرده ام هیچکس هم خبر ندارد ثبت هم نکرده ام خوب بنده یکنفر آدم عادی هستم که اقلاً بگوئیم خوب شخصی است ملك هم دارد چطور محل اعتماد است که بر دارم اگر من این ملك را باولاد صلح کرده باشم آن روزیکه دولت میخواهد آن ملك را ببرد آن ملك مال من نباشد دولت چه خواهد کرد تجویز میفرمائید که... (آقا سید یعقوب - دعواي شخص ناك است) خوب مال دولت که رفته وقتی که مال نداشت ملك مال من نیست دولت هم در این جا شخص ناك است آیا دولت این جا مطابق قانون عدالت چکار کند ملك را باولاد و اگذار کند و یقه من را بگیرد خوب ملك که از بین رفته من هم که از عهده بر نمی آیم یا آن ملك را ببرد اگر ملك را ببرد مطابق آن ترتیبی

که شما می فرمائید آن وقت دولت قادر است و ظلم کرده است و اگر نبرد که سرمایه بانک رفته است حالا شما يك وجهی بغير از ثبت اسناد بدست ما بدهید که اسباب اطمینان باشد که آنوقت ملك ثبت نشده را هم دولت قبول بکند و اما اینکه میفرمائید در مملکت همه جا ثبت اسناد نیست اولاً این را عرض کنم امروز که این شعبه بانک فلاحت باز میشود در تمام مملکت تمام محتاجین باستقراض که نخواهند آمد از این بانک استقراض کنند این اشکالی ندارد این کارها تدریجی است در واقع رونق و توسعه عملیات بانک بعد از چندین سال خواهد بود منتهی از امروز شروع میکنیم يك روزی که باید شروع کرد آن روزش امروز است و این بانک هم که در ظرف همین امسال تمام فلاحت این مملکت را ترقی بخواد داد و آنکه می مگر ثبت اسناد بنا است همینطور بماند ثبت اسناد هم باید در تمام مملکت توسعه و بسط پیدا بکنند فعلاً هم نوعی که پیش میرود تصور نمیکند خیلی طول بکشد که تمام املاک این مملکت ثبت بشود با این ترتیب این خودش موجب و مشوق وزارت عدلیه میشود از برای تاسیس ثبت اگر ما در يك مواردی دیدیم که واقعا يك مردمی هستند که از بانک فلاحتی محتاجند استقراض بکنند و ثبت شدن املاک مانع میشود این خودش يك فشاری است از برای وزارت عدلیه که باسرع ما بکنن ثبت اسناد را تاسیس بکنند چه عیبی دارد که ما اینکار را کرده باشیم بنظر بنده از یکطرف این محسنات را دارد از طرف دیگر ما راه دیگری پیدا نمیکنیم باینکه املاکی که وثیقه گذاشته میشود معتبر باشد و از آنطرف هم موقع و لزوم دارد که املاکی را که بانک میگیرد واقعاً وثیقه باشد از این جهت چاره را منحصر مینمیشم

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - پیشنهادات قرائت میشود. آقای مؤید احمدی

مخالف با کفایت مذاکرات هستید بفرمائید

مؤید احمدی - عرض کنم بعقیده بنده اینماده خیلی مهم است و مذاکرات بقدر کفایت در این موضوع

نشده است بعلمت اینکه ملاحظه بفرمائید اگر يك کسی جواهر آورد در بانک گواشت میفرمائید این يك مؤسسه تجارتي است بنده هم قبول دارم يك آدمی ده هزار تومان جواهر دارد می آورد در بانک گرو میگذارد پنج هزار تومان پول میخواهد چون ملك ثبت شده نیست نباید پول باو قرض داد از این جهت بنده عقیده ام این است اگر اجازت بفرمائید يك قدری بیشتر در اینماده مذاکره بشود ثبت اسناد هم همینطور که میفرمائید در ایالات مهمه ایران هنوز دائر نشده است با اینکه بنده کبراً با سایر نمایندگان کرمان از آقای وزیر عدلیه خواهش کردیم بنده هنوز در ایالات کرمان که دارای هیجده بلوک است يك ثبت اسناد نرفته است و آنجاست که البته بیشتر قنوت دارد بیشتر محل احتیاج است آنوقت آنها همه محروم خواهید بود .

مخبر - باید توجه بفرمائید که این بانک فلاحتی که باینکه در مواقع فوری برای مالکین و جلوگیری است بانکی نیست که احتیاجات مردم را با دادن قرض بخواد رفع کند نظر این نبوده است که جواهر بگیرد ماده ۶ اضافه میکنم :

و قرض بدهد و آن شخصی هم آن پول را بگیرد تبصره - قنات هر ملک که در موقع شرب محصول و برود احتیاجاتش را رفع کند غرض این است که بوسیله وثیقه گذاشتن يك ملک که به ثبت رسیده که بخواد آباد کند مشمول این قانون هم هست نسبت باو مساعدت بکنند اصل و نظر دیگری هم که در قسمت اصلاحات دارند پیشنهاد املاک ثبت نشده را قرار دهد بفرمائید در شور دوم ممکن است اصلاح کنیم

رئیس - پیشنهادات قرائت میشود :

پیشنهاد آقای فیروز آبادی

بنده پیشنهاد میکنم که ماده ۶ باین قسم اصلاح شود ماده ۶ - املاکی که باین شرط قبول میشود املاکی خواهد بود که سند و یا اسناد معتبر داشته باشد پیشنهاد آقای فهیمی

بنده پیشنهاد میکنم ماده ۶ بطریق ذیل نوشته شود .

ماده ۶ - قرضهائیکه برای مقاصد سابق الذکر داده میشود در مقابل وثیقه دادن املاکی خواهد بود که به ثبت

رسیده و مورد هیچگونه معامله و قیدی از قبیل توقیف رهن یا دعوی دیگر نباشد و قرار داد های استقراری استقراض کنندگان بنام خود و وراثشان با بانک منعقد نمائید باید در ثبت اسناد ثبت شود

پیشنهاد آقای هزار جریبی

بنده پیشنهاد مینمایم ماده ۶ این طور اصلاح شود : ماده ۶ - قرضهائیکه برای مقاصد سابق الذکر اعطاء میشود در مقابل وثیقه دادن املاکی خواهد بود که به ثبت اسناد رسیده یا مالکیت تقاضا کننده محرز و مورد نمایندگان کرمان واقع شود بر طبق قرار داد هائیکه بین بانک و استقراض کنندگان منعقد و در ثبت اسناد ثبت میشود .

پیشنهاد آقای دهستانی

مقام منبع ریاست معظم دامت شوکتہ نظر باینکه در ضمنی از نقاط اداره و شعبه ثبت اسناد وجود ندارد و

مخبر - باید توجه بفرمائید که این بانک فلاحتی که باینکه در مواقع فوری برای مالکین و جلوگیری است بانکی نیست که احتیاجات مردم را با دادن قرض بخواد رفع کند نظر این نبوده است که جواهر بگیرد ماده ۶ اضافه میکنم :

و قرض بدهد و آن شخصی هم آن پول را بگیرد تبصره - قنات هر ملک که در موقع شرب محصول و برود احتیاجاتش را رفع کند غرض این است که بوسیله وثیقه گذاشتن يك ملک که به ثبت رسیده که بخواد آباد کند مشمول این قانون هم هست نسبت باو مساعدت بکنند اصل و نظر دیگری هم که در قسمت اصلاحات دارند پیشنهاد املاک ثبت نشده را قرار دهد بفرمائید در شور دوم ممکن است اصلاح کنیم

پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب

پیشنهاد میکنم در ماده ششم عوض کلمه به ثبت رسیده نوشته شود که محل اعتماد دولت باشد

رئیس - ماده هفتم قرائت میشود :

ماده هفتم - مبلغ قرض از پنجاه در صد قیمتی خبره های بانک برای ملک معین مینماید نباید تجاوز نماید

رئیس - آقای آقا سید یعقوب .

آقا سید یعقوب - اینجا بنده با آقای مخبر هم صحبت کردم ما در سه ماه پیشتر اینجا قانونی گذراندیم راجع به بانک شاهنشاهی که حق امتیازش از بین رفت لکن مجازه این قسم معامله هارا با بانک دادیم . اینجا در این

قانون قید شده است که اگر مقوم بانک يك خانه را صد تومان قیمت کرد پنجاه تومان بصاحبش بدهد ولی شر آنجا بیشتر ملاحظه میکنند ما اینجا زیر بغل تبعه خود ما را هم نمیگیریم و برای اینکه تکلیفی کرده باشیم بنده پیشنهاد کردم اگر مقوم بانک فلاحتی خانه را صد تومان قیمت کرد هفتاد و پنج تومان بصاحبش داده شود و البته این پیشنهاد بکمیسیون میرود و در اطرافش دقت میشود و گمان میکنم باین طرز آن نظریکه آقای وزیر اقتصاد ملاحظه کرده است بروح فلاحت تقویت شود بهتر تأمین شود . بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است .

رئیس - پیشنهادات قرائت میشود :

پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب

پیشنهاد میکنم در ماده هفت نوشته شود مبلغ قرض از هفتاد و پنج در صد الی آخر

پیشنهاد آقای دهستانی

مقام منبع ریاست معظم دامت عظامته ماده هفتم را بشرح ذیل پیشنهاد میکنم :

ماده ۷ - مبلغ قرض از پنجاه در صد قیمتی که خبره های بانک برای ملک معین مینماید تجاوز نخواهد کرد در عین حال میزان قیمت هر ملک ده مقابل عوائد خالص مالکانه بکساله آن ملک خواهد بود

[۶ - موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه]

رئیس - از طرف جماعتی از آقایان پیشنهاد ختم جلسه شده است ولی بنده در اینجا يك نظریاتی دارم که میخواهم عرض کنم که ظهر ها هوا نامساعد است و بهتر اینست صبح ها قدری زود تر بیائیم (صحیح است) که تا ظهر قسمت عمده کار های خودمان را انجام دهیم بنابر این اگر مراقت بفرمائید (چون سه شنبه هم مصادف با جشن مشروطیت است) جلسه یکشنبه چهار ساعت قبل از ظهر (صحیح است) باشد و تنی میکنم آقایان هم زود تر تشریف بیاورند که به کارها مان که بالنسبه قدری زیاد تر است برسیم (صحیح است)

(مجلس نیمساعت بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر